

رامین برنو

در شرایطی که تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، در پای سرخ و تنگه‌هرمز به نقطه حساسی رسیده، اکنون نشانه‌های روشنی از فعال شدن پرونده‌ای دیگر در سیاست خارجی ایالات متحده دیده می‌شود؛ پرونده‌ای قدیمی اما همچنان راهبردی به نام کوپاسفر «جان راتکلیف»، رئیس سازمان سیا به‌هواانا، آن هم در اوج فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی واشنگتن علیه دولت «میگل دیاز-کانال»، نشان می‌دهد که دولت «دونالد ترامپ» در حال بازتعریف سیاست خود در قبال آمریکای لاتین و به‌ویژه جزیره کارائیب‌است.

این سفر که دومین سفر یک رئیس سیا به کوپاز زمان انقلاب «فیدل کاسترو» در سال ۱۹۵۹ محسوب می‌شود، صرفاً یک دیدار دیپلماتیک معمولی نیست؛ بلکه حامل پیام‌های چندلایه امنیتی، اطلاعاتی و ژئوپلیتیکی است. واشنگتن در حالی از «تعامل جدی» با هاوانا سخن می‌گوید که هم‌زمان فشار اقتصادی، تحریم‌های نفتی، تهدیدهای نظامی و حتی سناریوهای تغییر رژیم را نیز دنبال می‌کند. در چنین فضایی، کوپا بار دیگر به یکی از مهم‌ترین میدان‌های تقابل میان آمریکا و بلوک مخالف آن شامل روسیه و چین تبدیل شده‌است.

**واشنگتن، تحریم و سناریوی تغییر رژیم هاوانا**
بر اساس گزارش‌های منتشر شده، رئیس سیا حامل پیامی مستقیم از سوی ترامپ برای مقام‌های ارشد کوپایی بوده‌است؛ پیامی که در آن واشنگتن اعلام کرده‌تنها در صورتی حاضر به تعامل اقتصادی و امنیتی با هاواناست که دولت کوپا «تغییرات اساسی» ایجاد کند. همین عبارت به‌خوبی نشان می‌دهد که آمریکا همچنان از ادبیات سنتی خود علیه نظام سیاسی کوپا فاصله نگرفته و مسئله «اصلاح ساختار قدرت» را محور اصلی سیاست خود قرار داده‌است.

در ظاهر، دو طرف درباره همکاری اطلاعاتی، مسائل امنیتی و ثبات اقتصادی گفت‌وگو کرده‌اند، اما واقعیت آن است که واشنگتن بیش از هر چیز به دنبال سنجش میزان شکنندگی ساختار داخلی کوپا در شرایط بحران اقتصادی و انرژی است. آمریکا تصور می‌کند که ترکیب تحریم‌های فلج‌کننده، کمبود سوخت، خاموشی‌های گسترده و فشار اجتماعی می‌تواند زمینه فروپاشی تدریجی دولت هاوانا را فراهم کند.

در این میان، سفر رئیس سیا چند هدف مهم‌ر دنبال می‌کند: نخست، ارزیابی میدانی وضعیت داخلی کوپا و میزان تابا آوری حکومت در برابر فشارهاست. دوم، ارسال پیام مستقیم تهدید و مذاکره هم‌زمان به رهبران کوپایی است؛ الگویی که ترامپ پیش‌تر در قبال کشورهایی مانند ونزویلا و ایران نیز دنبال کرده بود و سوم، تلاش برای ایجاد شکاف در ساختار امنیتی و سیاسی کوپا و ترغیب بخشی از نخبگان این کشور به پذیرش اصلاحات مدنظر واشنگتن است.

خبر

## فرمانده سنتکام سند چشم‌انداز آمریکا درباره سوریه را تشریح کرد



ژنرال «برد کوپر»، فرمانده فرماندهی مرکزی ایالات متحده، سیاست‌کشورش در قبال سوریه در دوران پس از بشار اسد را تشریح و آن را به عنوان «مرکز نقل» در جنگ علیه داعش توصیف کرد. کوپر در شهادت خود در برابر کمیته نیروهای مسلح سنا در روز پنجشنبه اظهار داشت که فرماندهی مرکزی ایالات متحده، بر حله «پس از اسد» در سوریه، همراه با تحولات غزه و لبنان، را تغییر بزرگی در چشم‌انداز منطقه‌ای می‌داند. او استدلال می‌کند که منطقه در حال تجربه «لحظه‌ای محوری» است که می‌تواند خاورمیانه را به سمت مدلی مبتنی بر تجارت و کنترل ارضی خود را در عراق و سوریه از

خبر

## رایزنی رئیس امارات ونخست‌وزیر هند درباره تقویت همکاری مشترک

دست داد و حملات آن از سال ۲۰۲۳ تا ۷۰ درصد کاهش یافته است، ضروری است. با این حال، طبق این سند، داعش همچنان قادر به انجام حملاتی مانند حمله به پالمیرا در ۱۳ دسامبر ۲۰۲۵ است که منجر به کشته‌شدن دو نظامی آمریکایی و یک مترجم غیرنظامی شد. این سند همچنین اشاره می‌کند: خروج نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) تحت فشار دولت سوریه منجر به پراکندگی آوارگان از اردوگاه‌های پهل شده است، و وضعیتی که واشنگتن آن را

یک خطر امنیتی می‌داند که می‌تواند به ظهور مجدد این سازمان کمک کند. این چشم‌انداز ما برای سوریه جدید است. این سند، سوریه را به عنوان «مرکز نقل» در جنگ علیه داعش توصیف و تأکید کرد که ثبات آن و جلوگیری از بازگشت به جنگ داخلی برای جلوگیری از ظهور مجدد سازمان‌های افراطی ضروری است. در اظهارات کوپرسر به حمایت مداوم ایالات متحده از دولت سوریه «برای حمایت از یک توافق آبرومندانه در دوران پس‌از اسد» و تلاش‌های مداوم برای ایجاد قابلیت‌های امنیتی مجدد این سازمان که در سال ۲۰۱۹ از کنترل ارضی خود را در عراق و سوریه از

سفر محرمانه «راتکلیف» به کوپا، تشدید تنش در حیاط خلوت واشنگتن ارزیابی شد؛

# سیا در هاوانا؛ مذاکره یا اولتیماتوم نهایی؟



**سناریوی درگیری نظامی واقعی است؟**

فشارهای آمریکا علیه کوپا اکنون وارد مرحله‌ای کم‌سابقه شده‌است. تحریم نفتی، تهدید کشورهای کبه کوپا سوخت می‌رسانند، محدودسازی مبادلات بانکی و تشدید انزوای اقتصادی باعث شده بحران انرژی در این کشور به نقطه بحرانی برسد. مقام‌های کوپایی رسماً اعلام کرده‌اند که شبکه برق ملی در وضعیت فوق‌العاده قرار دارد و برخی مناطق هاوانا روزانه ۲۲ ساعت قطع برق را تجربه می‌کنند.

**واشنگتن در حالی از «تعامل جدی» با هاوانا سخن می‌گوید که هم‌زمان فشار اقتصادی، تحریم‌های نفتی، تهدیدهای نظامی و حتی سناریوهای تغییر رژیم را نیز دنبال می‌کند و در چنین فضایی، کوپا بار دیگر به یکی از مهم‌ترین میدان‌های تقابل میان آمریکا و بلوک مخالف آن شامل روسیه و چین تبدیل شده‌است**

واشنگتن امیدوار است این فشارها نارضايتی اجتماعی را به سطحی برساند که دولت دیاز-کانال دیگر قادر به کنترل اوضاع نباشد. به همین دلیل، هم‌زمان با تشدید تحریم‌ها، آمریکا پیشنهاد کمک ۱۰۰ میلیون دلاری نیز مطرح کرده است؛ اقدامی که از نگاه هاوانا بخشی از جنگ روانی و تلاش برای نفوذ سیاسی در جامعه کوپا محسوب می‌شود. با این حال، پرسش اصلی این است که آیا احتمال درگیری نظامی مستقیم میان آمریکا و کوپا وجود دارد؟ واقعیت این است که اگرچه تهدیدهای لفظی افزایش یافته و برخی رسانه‌های آمریکایی از برنامه‌ریزی پنتاگون برای سناریوهای نظامی خبر داده‌اند، اما احتمال حمله گسترده نظامی همچنان پایین ارزیابی می‌شود. آمریکا به‌خوبی می‌داند که هرگونه مداخله نظامی مستقیم در کوپا می‌تواند پیامدهای سنگینی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌باشد.

نخستین پیامد، بی‌ثباتی گسترده در آمریکای لاتین خواهد بود. بسیاری از دولت‌های منطقه، حتی آنهایی که روابط نزدیکی با واشنگتن دارند، مخالف مداخله نظامی در کوپا هستند. حمله به هاوانا می‌تواند موج جدیدی از احساسات ضد آمریکایی را

سومین مسئله، واکنش بازگرن بین‌المللی است. روسیه و چین احتمالاً در برابر هرگونه اقدام نظامی آمریکا سسکوت نخواهند کرد. هرچند بعيد است وارد درگیری مستقیم شوند، اما می‌توانند از طریق حمایت اطلاعاتی، اقتصادی و دیپلماتیک هز بنه‌های واشنگتن را افزایش دهند.

**نگاه روسیه و چین؛**

**کوپا در قلب رقابت قدرت‌های بزرگ**
تحولات اخیر کوپار انمی توان جداز رقابت‌فراينده میان آمریکا با روسیه و چین تحلیل کرد. برای مسکو و پکن، کوپا تنها یک متحد سیاسی نیست؛ بلکه نماد مقاومت در برابر هژمونی آمریکا در حیاط خلوت واشنگتن به‌شمار می‌رود.

روسیه در سال‌های اخیر تلاش کرده حضور خود در آمریکای لاتین را احیا کند و کوپا یکی از مهم‌ترین نقاط این راهبرداست. همکاری‌های انرژی، ارسال نفت، تعاملات امنیتی و حتی گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های اطلاعاتی مشترک، همگی نشان‌دهنده اهمیت راهبردی هاوانا برای کرملین هستند. مسکو به‌ویژه پس از جنگ اوکراین به دنبال آن است که فشار متقابل علیه آمریکا را به حوز‌های نزدیک به مرزهای واشنگتن منتقل کند و کوپا در این چارچوب جایگاه ویژه‌ای دارد.

چین نیز نگاه بلندمدتی به کوپا دارد. پکن از طریق سرمایه‌گذاری اقتصادی، توسعه زیرساخت‌های مخابراتی و همکاری‌های فناورانه تلاش کرده نفوذ خود را در این جزیره گسترش دهد و آمریکا بارها نسبت به احتمال استفاده چین از تاسیسات اطلاعاتی در کوپا ازنگرانی کرده‌است.

در منطقه فعال کند و مشروعیت سیاسی آمریکا را تضعیف کند. دومین پیامد، احتمال شکل‌گیری بحران انسانی گسترده است. زیرساخت‌های اقتصادی و انرژی کوپا هم‌اکنون نیز در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد و هرگونه درگیری می‌تواند میلیون‌ها نفر را با بحران غذا، دارو و مهاجرت روبه‌رو کند. این وضعیت حتی ممکن است موج جدیدی از مهاجرت گسترده کوپایی‌ها به سواحل آمریکا را ایجاد کند.

در مجموع، سفر رئیس سیا به هاوانا را باید بخشی از یک بازی بزرگ‌تر میان قدرت‌های جهانی دانست؛ بازی‌ای که در آن کوپا بار دیگر سه میدان تقابل ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌است. آمریکابه دنبال اعمال فشار نهایی برای تغییر رفتار یا حتی تغییر ساختار قدرت در این کشور است، اما واقعیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که تحقق چنین هدفی آسان نخواهد بود.

هرچند احتمال حمله نظامی گسترده همچنان محدود است، اما افزایش فشارهای اقتصادی، جنگ اطلاعاتی، تهدیدهای امنیتی و تلاش برای بی‌ثبات‌سازی داخلی می‌تواند کوپا را وارد یکی از دشوارترین دوره‌های تاریخ معاصر خود کند. در این میان، روسیه و چین نیز بعيد است در برابر تحولات این جزیره استراتژیک منفعل باقی بمانند؛ مسئله‌ای که می‌تواند بحران کوپا را از یک پرونده منطقه‌ای به بخشی از رقابت جهانی قدرت‌تبدیل کند.

جهان نما

خبر رسانه‌های انگلیسی

از تشدید تحركات پشت پرده:

حزب کارگر

آماده عبور از استارمر می‌شود؟

استعفای وس استریتینگ و وزارت بهداشت انگلیس، بحران قدرت در دولت کی‌یر استارمر را وارد مرحله‌ای حساس کرده و حزب حاکم کارگر را با وجود مقاومت نخست‌وزیر، به صف‌آرایی جدی برای انتخاب جانشین او کشانده است. وس استریتینگ وزیر مستعفی بهداشت انگلیس در نامه کناره‌گیری خود تصریح کرده‌است که اکنون روشن شده‌کی‌یر استارمر حزب کارگر را در انتخابات سراسری آینده رهبری نخواهد کرد. او با اعلام اینکه ماندن در کابینه در چنین شرایطی اقدامی «غیرشایسته‌مانده» بود، عملاً به‌صف‌چهره‌هایی بیوست که خواستار آغاز روند انتقال قدرت در حزب حاکم شده‌اند.

هم‌زمان رسانه‌های انگلیسی مانند گاردین، از تشدید تحركات پشت‌پرده در حزب کارگر برای آماده‌سازی رقابت جانشینی خبر می‌دهند و برخی نمایندگان این حزب آشکارا از استارمر خواسته‌اند جدول زمانی کناره‌گیری خود را اعلام کنند. استریتینگ که تا پیش‌از این یکی از چهره‌های پرنفوذ رسانه‌ای کابینه استارمر به‌شمار می‌رفت، در نامه خود نوشت که نمایندگان و اتحادیه‌های وابسته به حزب کارگر خواهان آن هستند که بحث درباره آینده حزب به «بهره‌آیدها» تبدیل شود، نه جدال شخصیت‌ها و جناح‌بندی‌های کوچک. او اگرچه رسماً نامزدی خود را برای رهبری حزب اعلام نکرده، اما استعفای او به‌عنوان جدی‌ترین علامت شکاف در حلقه قدرت استارمر تعبیر شده‌است. گاردین گزارش داده‌است که استریتینگ در روزهای اخیر برای سنجش حمایت نمایندگان فواید، اما هنوز روشن نیست که توانسته‌باشد حد نصاب لازم برای آغاز چالش رسمی علیه نخست‌وزیر را به‌دست آورد. بر اساس قواعد حزب کارگر، صرف‌افزایش انتقادها یا حتی استعفای وزیران به‌تنهایی برای برگزاری انتخابات رهبری کافی نیست. اگر رهبر حزب استعفا ندهد، یک نامزد رقیب باید حمایت دست کم ۲۰ درصد نمایندگان حزب کارگر در مجلس عوام را جلب کند تا رقابت رسمی آغاز شود.



با ترکیب کنونی فراکسیون حزب کارگر، این عدد حدود ۸۱ نماینده است. در صورت تحقق این شرط، استارمر به‌عنوان رهبر مستقر به‌طور خودکام در برکه‌رای باقی می‌ماند و برای حضور در رقابت نیازی به جمع‌آوری امضا ندارد. همین‌سازوکار باعث شده‌است که مخالفان او ناچار باشند میان فشار سیاسی برای استعفا و تلاش سخت‌تر برای جمع‌آوری امضا رقابت انتخاب کنند.

استارمر تاکنون نشانه‌ای از آمادگی برای عقب‌نشینی نشان نداده‌است. گزارش‌ها حاکی است که او در نشست‌های داخلی تأکید کرده‌با هرگونه چالش رهبری مقابله خواهد کرد و قصد دارد حزب کارگر را به انتخابات سراسری بعدی ببرد. اما تداوم مقاومت او، بحران را متوقف نکرده و برعکس، فضای حزب را به دور دوگانه تبدیل کرده‌است. از یک سو گروهی از نمایندگان می‌گویند ورود به رقابت رهبری در شرایط کنونی می‌تواند دولت را فلج کند و از سوی دیگر مخالفان استارمر معتقدند ادامه وضع موجود حزب کارگر را باخطر شکست سنگین‌تر در انتخابات آینده روبه‌رو می‌کند. نام استریتینگ بنا به تعبیر برخی رسانه‌ها، در صدر فهرست جانشینیان احتمالی قرار دارد. او نماینده مجلس است، پایگاه رسانه‌ای دارد و از مدت‌ها پیش به‌عنوان یکی از چهره‌های جاده‌طلب نسل جدید حزب کارگر شناخته می‌شود. مزیت اصلی او این است که برخلاف برخی رقبای بالقوه، برای ورود به رقابت مانع حقوقی ندارد. اما اگر نتواند ۸۱ نماینده را پشت سر خود جمع کند، استعفایش بیش از آنکه آغاز یک رقابت باشد، نشانه‌ای از شکاف عمیق اناتامانم از حزب تلقی خواهد شد.

چهره دوم این معادله اندی برنهام شه‌ر دار منچستر است. برنهام که پیش‌تر در دولت گوردون براون سمت‌هایی چون وزارت بهداشت و وزارت فرهنگ را بر عهده داشته، اکنون بار دیگر به‌عنوان گزینه‌ای جدی برای دوران پس از استارمر مطرح شده‌است. اما مشکل اصلی او این است که در مجلس عوام کرسی ندارد و طبق قواعد حزب کارگر، فقط نمایندگان این حزب در پارلمان می‌توانند نامزد رهبری شوند. از این‌رو، بر اساس گزارش‌ها، جاش سایمونز نماینده حوزه فرفیلد اعلام کرده‌از کرسی خود کناره‌گیری تا برنهام بتواند در انتخابات میان‌دوره‌ای به پارلمان بازگردد. رویترز گزارش داده‌است که این کرسی در انتخابات ۲۰۲۴ با اختلاف پنج هزار و ۳۹۹ رأی به سوسد حزب کارگر حفظ شد، اما رشد حزب راست‌گرای اصلاح، پیروزی برنهام را در انتخابات میان‌دوره‌ای قطعی نمی‌کند و بیشتر شبیه به‌قمار سیاسی است.

موضوع برنهام نشان می‌دهد که بخشی از حزب کارگر فقط به تغییر چهره درون کابینه فکر نمی‌کند، بلکه به دنبال بازگرداندن چهره‌های بیرون از حلقه استارمر به مرکز قدرت است. برنهام در میان بخشی از بدنه حزب به‌عنوان سیاستمداری مردمی‌تر و مستقل‌تر از ساختار داویننگ استریت شناخته می‌شود. با این حال، زمان علیه اوست. او ابتدا باید نماینده حزب کارگر شود و سپس حمایت کافی نمایندگان را براسری ورود به رقابت رهبری جلب کند. گاردین گزارش داده‌است که برخی متحان برنهام خواهان انعطاف در جدول زمانی رقابت هستند، اما شماری از اعضای کمیته اجرایی حزب با تغییر قواعد یا زمان‌بندی به نفع یک نامزد خاص مخالفت کرده‌اند.

**با ایلنا همراه شوید**

**خبرگزاری کار ایران «ایلنا»**



«محمد بن زاید آل نهایان»، رئیس امارات و «نارندامودی» نخست‌وزیر هند طی این دیدار بر تمایل متقابل دو کشور برای تداوم همکاری مشترک به منظور توسعه چشم‌اندازهای شراکت تأکید کردند. دو طرف در این دیدار علاوه بر بررسی روند روابط دو کشور در حوزه‌های اقتصاد، سرمایه‌گذاری، انرژی، فضا، امنیت غذایی، تکنولوژی و هوش مصنوعی به تبادل دیدگاه‌های خود در خصوص برخی مسائل مهم از جمله تحولات منطقه غرب آسیا و تبعات آن بر امنیت و صلح منطقه‌ای و سوریه از پانوروی دیدار، همکاری‌های انرژی و اقتصاد جهانی پرداختند. رئیس امارات

## نخست‌وزیر و اعضای کابینه جدید عراق سوگند یاد کردند



نخست‌وزیر و اعضای کابینه جدید عراق پس از کسب‌رأی اعتماد پارلمان، در برابر رئیس پارلمان سوگند قانونی یاد کردند. به گزارش خبرگزاری عراق (واع)، بر این اساس کابینه «علی‌الزیدی» نخست‌وزیر مأمور تشکیل دولت جدید عراق، به‌ریاست «هیبت‌الحلوسی» رئیس پارلمان برگزار شد. بر اساس این گزارش، پس

عبدالحمید جاسم» وزیر کشاورزی و «علی فؤاد حسین» وزیر امور خارجه رأی موافق دادند. پارلمان عراق همچنین به «علی مصطفی جبارسند» به‌عنوان وزیر ارتباطات، «علی قالی‌الساری» وزیر دارایی، «علی وهب سلمان محمد» وزیر حمل و نقل، «علی عبدالکریم عبطان» وزیر آموزش، «طلی خالد شوانی» وزیر دادگستری، «علی مشنی علی مهدی» وزیر منابع آب، «علی مصطفی نزار جمعه» وزیر بازرگانی نیز رأی اعتماد داد. بر اساس این گزارش، مشاخره لفظی در پارلمان باعث شد که وزرای پیشنهادی کشور، آموزش عالی و برنامه‌ریزی موفق به کسب رأی اعتماد نشوند. همچنین نمایندگان مجلس به کابینه‌علی‌الزیدی و برنامه‌نرواری وی رأی اعتماد داده و رئیس پارلمان از جلسه‌رای محمدنوری احمد» وزیر منابع، «علی علی‌السعد وهیب» وزیر برق، «علی عبدالحمید» وزیر بهداشت، «علی سروه عبدالواحد» وزیر محیط زیست، «علی